

مقدمه

مدت چهار ماههٔ زمانی ۱۴ مهر تا ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ یکی از مقاطع برجسته در ظهور انقلاب اسلامی ایران محسوب می‌شود. محمدرضاشاه پهلوی برای در امان ماندن از فعالیت‌های امام خمینی، از رژیم بعثی عراق خواست تا مانع فعالیت‌های ایشان شود. امام خمینی نیز زیر بار این محدودیت‌ها نرفت و در نهایت کشور فرانسه را به‌عنوان محل مبارزات خود علیه حکومت پهلوی انتخاب کرد. امام خمینی در فرانسه بهتر توانست انقلاب را رهبری کند و سرانجام آن را به پیروزی برساند. به گفتهٔ مهندس مهدی بازرگان «خراج امام خمینی از نجف، و رفتن ایشان به پاریس، ... تصادف مبارکی بود که با تجدید خاطرهٔ «عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد» راهگشای مؤثری برای ملاقات‌ها و مذاکرات و اقدامات گردید.» (بازرگان، ۱۳۶۳: ۴۹) در این مقاله دوران سرنوشت‌ساز هجرت امام خمینی به فرانسه مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی، هجرت، نوفل لوشاتو، محمدرضاشاه پهلوی.

چگونگی مهاجرت امام خمینی از عراق به فرانسه و اقامت در نوفل لوشاتو

الف. دلایل ترک عراق از سوی امام خمینی: بعد از انعقاد قرارداد ۶ مارس ۱۹۷۵ م/ ۱۵ اسفند ۱۳۵۳ ش قراردادی بین ایران و عراق، معروف به قرارداد الجزایر منعقد گردید. طرفین پذیرفتند به‌منظور تعیین حدود مرزی و برقراری امنیت و اعتماد متقابل و پایان دادن به هر نوع رخنهٔ اخلاص گرانه، یک راه‌حل جامع را دنبال نمایند و هرگونه خدشه به توافقات را مغایر روح قرارداد الجزایر دانستند. (جعفری ولدانی، ۱۳۶۷: ۴۰۱) به موجب این قرارداد دو کشور ایران و عراق تصمیم گرفتند کلیهٔ عوامل منفی را در روابط خود از بین ببرند و همکاری‌های متقابل را توسعه دهند. براساس قرارداد حکومت پهلوی می‌بایست در قبال مسئلهٔ کردها، سیاست حمایت‌آمیز خود را علیه عراق کنار می‌گذاشت و در عوض از دولت عراق می‌خواست فعالیت‌های مخالفان شاه، از جمله امام خمینی را محدود و از آن جلوگیری کند. بعد از این قرارداد، حساسیت دولت عراق نسبت به فعالیت‌های امام بیشتر شد. حجة‌الاسلام **محمود دعایی** از همراهان امام در عراق در این باره می‌گوید: «رژیم شاه بر مبنای قرارداد الجزیره، به عراق فشار می‌آورد تا جلوی فعالیت‌های مبارزاتی امام را بگیرند. عراقی‌ها هم روز به روز محدودیت را شدیدتر می‌کردند...» (دعایی، ۱۳۷۰: ۷۸ و ۷۹) بعد از ایجاد این محدودیت‌ها، امام خمینی در ۱۳ مهرماه ۱۳۵۷ به طرف کویت رفت، اما دولت کویت اجازهٔ ورود به امام را نداد و چون امام قصد بازگشت به نجف کرد، دولت عراق نیز اجازهٔ بازگشت به ایشان نداد، در نتیجه امام خمینی و همراهان در ۱۴ مهرماه ۱۳۵۷ به فرانسه رفتند. (عاقلی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۶۵)

ب. چگونگی ورود امام خمینی و همراهان به فرانسه و واکنش دولت ایران و فرانسه: امام خمینی پس از مشورت با فرزند خود سیداحمد خمینی، فرانسه را برای اقامت انتخاب کردند. (صحیفهٔ امام، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۶۵) همراهان امام هنگام سفر به فرانسه عبارت بودند از: سیداحمد خمینی، حجة‌الاسلام فردوسی‌پور، حجة‌الاسلام املائی و دکتر ابراهیم یزدی. هنگامی که سفر امام به فرانسه قطعی شد، ایشان و همراهانش تمایل داشتند با هواپیمای ایرفرانس پرواز کنند، اما عراقی‌ها اصرار ورزیدند که حتماً از هواپیمای عراقی استفاده شود، و حتی مأمورانی را نیز با مسافران همراه نمودند.

سیداحمد خمینی در مورد این سفر می‌نویسد: «شب قبل از حرکت به پاریس، امام به زیارت کاظمین مشرف شدند. احساسات مردم عجیب بود. صبح به فرودگاه رفتیم. هواپیما را معطل کردند. در مجموع دو ساعت تأخیر داشت. ما پنج نفر در طبقهٔ دوم بودیم به اضافه کسانی که آن‌ها را نمی‌شناختیم. مرحوم املائی بلند شد تا گشتی در طبقهٔ اول بزند؛ نگذاشتند، و ایشان برگشتند. بحث و گفت‌وگو بین چهار نفرمان شروع شد. آیا می‌خواهند سر به نیستان کنند؟ آیا می‌خواهند بدزدندمان، آیا خیال دارند در کشوری زندانیمان کنند؟!» (دلیل آفتاب، ۱۳۸۲: ۷۶)

هواپیمای حامل امام خمینی و یاران ایشان پس از توقفی کوتاه در شهر ژنو، پرواز خود را به سمت پاریس ادامه

دوران هجرت امام خمینی (ره) در فرانسه

عبدالرضا آقایی
دبیر تاریخ، ازنا

هجرت امام و همراهانش به فرانسه بدون اطلاع دولت فرانسه و به صورت غیرمنتظره صورت گرفت. (یزدی، ۱۳۸۶: ۱۱۱) هنگامی که امام وارد فرانسه شدند **ژیسکاردستن** (رئیس جمهور فرانسه) در یک سفر رسمی در کشور برزیل به سر می برد. بنابراین پس از بازگشت به فرانسه (۱۷ مهر ۱۳۵۷) اعلام کرد که به آیت الله خمینی اجازه فعالیت سیاسی نخواهد داد؛ اما امام خمینی در مقابل این سخن واکنش تندی نشان داد و اظهار نمود، حاضرم کشور فرانسه را ترک کنم، اما دست از فعالیت خود بردارم. «پیر سالینجر» روزنامه نگار معروف فرانسوی که در آن روزها حوادث ایران را دنبال می کرد، می نویسد:

داد. در فرودگاه پاریس (اورلی) عده ای منتظر امام بودند. ابراهیم یزدی می گوید: «... ما به سلامتی وارد پاریس شدیم... کنترل پاسپورت های ما شاید ۵ یا ۶ دقیقه بیشتر طول نکشید. اینکه دیدند گذرنامه معتبر است، رد شدیم. در فرودگاه پاریس آقایان حبیبی، نوری البلا، آیت اللهی، دکتر غضنفریور و... به استقبال ما آمده بودند. وقتی از فرودگاه بیرون آمدیم ماشین آقای غضنفریور جلوی در ایستاده بود و ما سه نفر (امام خمینی، سیداحمد، دکتر یزدی) سوار ماشین شدیم و ما را بردند منزل غضنفریور. چند روزی در منزل ایشان بودیم.» (یزدی، ۱۳۸۶: ۸۱) امام خمینی در آپارتمانی در طبقه سوم در محله گشان پاریس ساکن شدند. در این زمان، **جعفر شریف امامی** نخست وزیر ایران بود. سولیوان سفیر وقت آمریکا در ایران در خاطرات خود می گوید: «شریف امامی چنین استدلال می کرد که چون آیت الله خمینی از طریق زائران ایرانی که به نجف می روند با مخالفان داخلی تماس برقرار می کند و از طریق آنان نوار سخنرانی های خود را به ایران می فرستد، در صورت اخراج از عراق قادر به ادامه تماس با مخالفان نخواهد بود. هنگامی که این نقشه عملی شد و آیت الله خمینی عازم پاریس گردید، شریف امامی به من و سفیر انگلیس گفت که [آیت الله] خمینی به محض ورود به پاریس از خاطره ها محو و فراموش خواهد شد.» [خاطرات دو سفیر، ۱۳۷۵: ۱۵۴] این موضوع نشان می دهد که دولت ایران از هجرت امام خمینی به فرانسه، راضی بوده است.



**پیش من مکان معینی مطرح نیست؛
عمل به تکلیف الهی مطرح است،
مصالح عالیله اسلام و مسلمین مطرح است**

۱۳ مهر (۱۳۵۷ش)

هجرت امام خمینی
از عراق به پاریس

خانم دباغ: نظم امام نه تنها برای من بلکه برای

دیگران هم کاملاً محسوس بود.

آن قدر که پلیس فرانسه به ما می گفت: ما

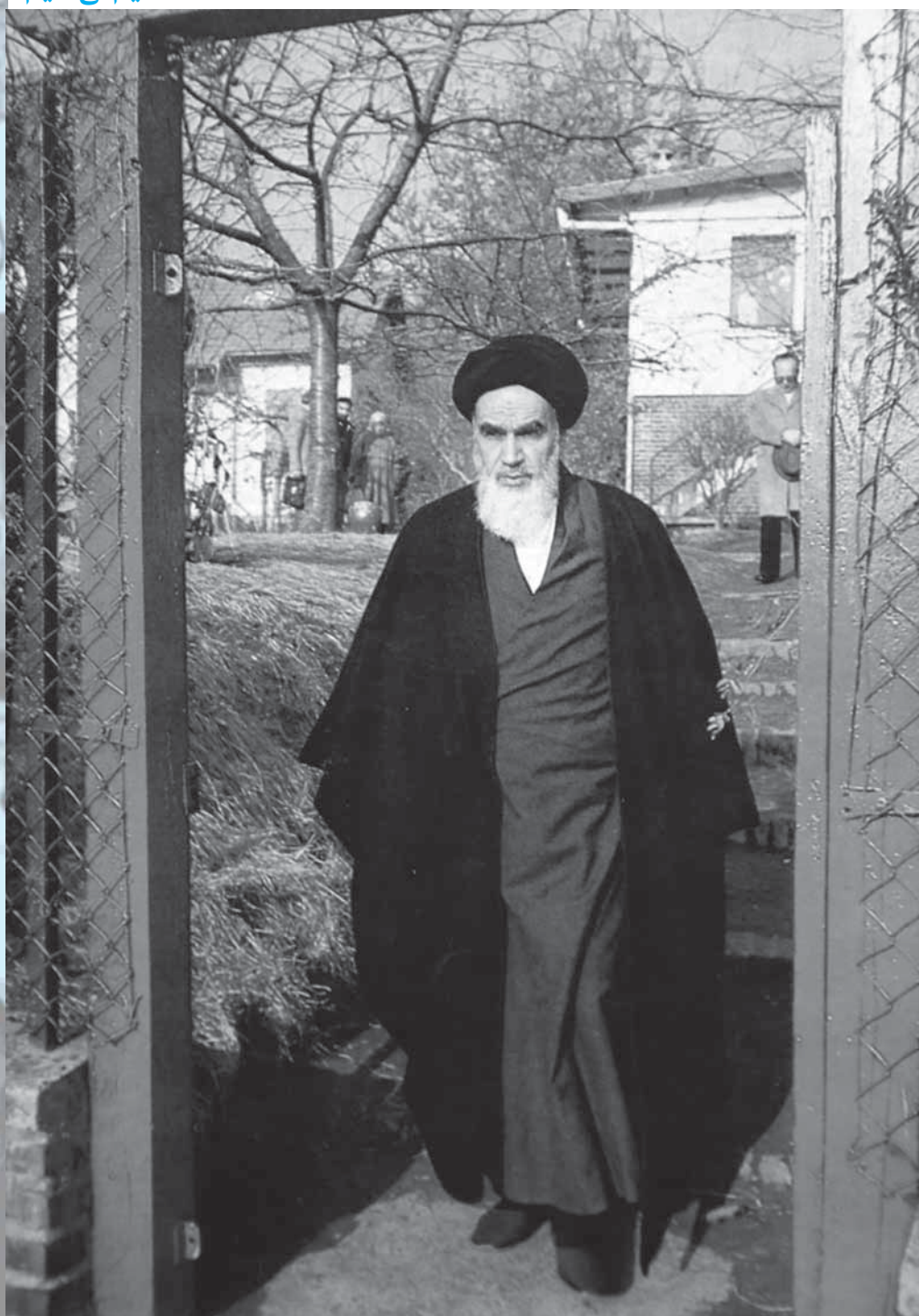
حتی ساعت‌های خودمان را با رفت و آمد امام

تنظیم می کنیم

«ورود آیت‌الله خمینی به پاریس، هم فرانسوی‌ها و هم آمریکایی‌ها را بهت‌زده کرد. به مجرد آنکه ژیسکار دستن به فرانسه بازگشت، دستور اخراج آیت‌الله را صادر کرد، ولی شب پیش از شبی که بنا بود امام کشور را ترک نماید از کاخ شاه تلفنی به کاخ الیزه شد و سخن‌گویی با لحنی عصبانی از طرف شاه، درخواست نمود که: آیت‌الله را تبعید نکنید. اگر این کار را بکنید ما در تهران با شورش مردم روبه‌رو خواهیم شد.» (سالیانجر، ۱۳۶۲: ۱۰۵) هنگامی که دولت فرانسه متقاعد شد حضور امام خمینی در فرانسه مورد تأیید و استقبال دولت ایران قرار گرفته است، مانع فعالیت ایشان نشد.

پ. واکنش مردم ایران و مقامات دیگر کشورها نسبت به اقامت امام در فرانسه: روحانیون و دیگر طبقات مردم ایران که حوادث مربوط به سختگیری‌های رژیم عراق و ایجاد محدودیت برای امام خمینی را با نگرانی دنبال می‌کردند، پس از اطلاع از ورود امام خمینی به فرانسه، تلگراف‌های متعددی به این کشور ارسال کردند و خواهان میهمان‌نوازی شایسته از امام خمینی شدند. در ۱۶ مهرماه ۱۳۵۷ عده‌ای از ایرانیان برای دیدار امام عازم پاریس شدند. (عاقلی، ۱۳۸۷: ۳۶۷) همچنین سران و مقامات برخی از کشورها خواهان اقامت امام خمینی در کشورشان بودند، به طوری که در مهر ۱۳۵۷ **بومدین** رئیس‌جمهور الجزایر، علمای اندونزی و رئیس‌جمهور یمن جنوبی ضمن ارسال پیامی برای امام خمینی، خواستار اقامت امام در کشورشان شدند. (عاقلی، ۱۳۸۷: ۳۶۶ و بصیرت‌منش، ۱۳۸۷: ۱۱۷)

ت. نکات جالب از روحیات امام خمینی در هواپیمای عراق به فرانسه: همراهان امام خمینی در فرانسه نکات جالبی از زندگی این شخصیت انقلابی ذکر می‌کنند.



چون جای دیگری نتوانستیم پیدا کنیم به نوفل لوشاتو منتقل شدیم.» (یزدی، ۱۳۸۶: ۸۱)

حجة الاسلام فردوسی پور می گوید: «به محضر امام شرفیاب شدم و عرض کردم: آقا! اینجا دور است و رفت و آمد مشکل می شود. فرمودند: جای خوبی است. دور از غوغا و سروصدای شهر است، فقط روزهای یکشنبه که تعطیل است اینجا کمی شلوغ می شود، بقیه ایام هفته خلوت است و برای ما خوب است.» (ستوده، ۱۳۸۲، ج ۲: ۳۷۲)

سیداحمد خمینی در نامه‌ای که در تاریخ ۲۲ مهر ۱۳۵۷ از پاریس به همسرش فاطمه طباطبایی نوشته است، وضعیت خود را در نوفل لوشاتو این گونه بیان می کند: «منزل ما سه اتاق دارد که یکی برای آقا و یک اتاق ۱/۵ × ۱/۵ برای من که درش توی اتاق آقا باز می شود، و من [برای رعایت حال آقا] از پنجره به حیاط می روم و باید مواظب باشم که افسر روبهروئیم تیرم نزند؛ به عنوان یک تروریست! می بینی که چه شلم شوربایی است! در اتاق دیگر ۱۰ نفر می خوابند که در اتاق آقا توی اون اتاق باز می شود، یعنی من اگر بخوام بیرون بروم باید از اتاق بروم تو اتاق آقا، از آنجا باید بروم توی اتاق ده نفری.» (دلیل آفتاب، ۱۳۸۲: ۹۷) بعد از مدتی ساختمان روبه روی خانه دکتر عسگری خالی شد و با کمک ایشان آنجا هم اجاره شد. بعد از آن محل سکونت امام خمینی و حاج احمد آقا به آنجا منتقل شد.

اعضای خانواده امام، همسرشان و دامادشان، آیت الله اشراقی، بعد از آمدن به پاریس نیز به آن ساختمان منتقل شدند. (یزدی، ۱۳۸۶: ۸۵) در نوفل لوشاتو سه خانه کوچک در اختیار امام خمینی و همراهانش بود. خانه شماره یک که امام با اعضای خانواده زندگی می کردند بسیار کوچک بود. خانه شماره دو که روبه روی خانه اول

حجة الاسلام فردوسی پور از همراهان امام در هواپیمای عراق به فرانسه، در مورد توجه امام به مسائل شرعی در هواپیما می گوید: «امام بلند شدند و فرمودند: قبله کجاست؟ من تعجب کردم و گفتم: حالا وقت نماز نیست؛ آقا به قبله چکار دارند؟ و گفتم نمی دانم. امام فرمودند: «ببینید آفتاب کجاست؟» من هر چه از شیشه نگاه کردم که آفتاب را پیدا کنم نتوانستم، چون در طبقه بالا بودیم و در کابین خلبان باز بود، کمک خلبان ما را دید و متوجه شد که امام چیزی می خواهد و من نمی توانم جواب بدهم، جلو آمد و گفت: «آقا چه می خواهند؟» من گفتم: «قبله را می خواهند.» امام فرمودند: «و قبله را چه می داند؟ بگوئید جهات را مشخص کند.» وقتی مشخص کرد، امام با دست فرمودند که اینجا قبله است. بعد بلافاصله امام به دستشویی هواپیما رفتند. من آنجا متوجه شدم که اصرار بر تعیین قبله برای این بوده که [در دستشویی] رو به قبله یا پشت به قبله نباشند! حتی در هواپیما، بسیاری از ما ممکن است در چنین شرایطی نماز صبحمان قضا شود و توجه نداشته باشیم، یا در بسیاری از مسائل شرعی تخلف کنیم، اما امام در آن هوا و فضا از این نکته غفلت نکردند.» (ستوده، ۱۳۸۲، ج ۲: ۳۳۶ و ۳۳۷) همچنین در مورد روحیه خستگی ناپذیر امام خمینی می گوید: «در هواپیما، در مورد اینکه اگر دولت فرانسه به ما اجازه نداد که وارد خاک این کشور شویم، چه کار کنیم؟» با همراهان بحث می کردیم، من به امام عرض کردم: «آقا! اگر پاریس نگذاشتند پیاده شویم، یا اگر پیاده شدیم و نگذاشتند آنجا بمانیم، تکلیف چیست؟ تبسم شیرینی بر لبهای امام نقش بست و فرمودند: شماها از سفر خسته شدید. شماها که جوانید نباید خسته شوید، من که خسته نشدم. به جای دیگر می رویم. فکر کنید کجا برویم بهتر است. جای دیگری از الان در نظر بگیرید که اگر پاریس راه ندادند آنجا برویم. مایه خوشحالی همه شد که امام اظهار ناراحتی و خستگی نکردند بلکه برای هجرت های متعدد اعلام آمادگی فرمودند. وقتی به پاریس رسیدیم و در مصاحبه ها گزارش سفر را دادیم، جراید نوشتند: «چریک پیر ایران به زمین نمی چسبد.» او گفته است: «فرودگاه به فرودگاه می رویم و اگر هیچ جا راهمان ندادند، آب های آزاد را از ما نگرفته اند. یک کشتی اجاره می کنیم و در آب های آزاد می گردیم و فریاد مظلومیت امت ایران را به دنیا اعلام می کنیم.» (همان: ۳۲۷)

این موضوع نشان می دهد که امام به هر وسیله ای که شده است می خواهد مبارزات خود را علیه حکومت پهلوی ادامه دهد.

ث. اقامت در دهکده نوفل لوشاتو: امام خمینی پس از دو روز اقامت در آپارتمان دکتر غضنفرپور در پاریس، تصمیم گرفت که محل اقامت خود را تغییر دهد. دلایل این تغییر مکان عبارت بود از:

۱. ایجاد مزاحمت برای همسایگان در آپارتمان: ابراهیم یزدی می گوید: «چون آپارتمان در طبقه سوم بود و با توجه به رفت و آمد زیاد در شب و روز، همسایه ها ناراحت شدند و اعتراض کردند.» (یزدی، ۱۳۸۶: ۸۱)
۲. کوچک بودن آپارتمان محل اقامت امام: حجة الاسلام فردوسی پور می گوید: «دو روز از اقامت در پاریس می گذشت. امام - رضوان الله تعالی علیه - از وضع آپارتمان ناراضی بودند، آپارتمان در طبقه سوم واقع شده و بسیار کوچک بود. ایشان اصرار داشتند محل اقامت عوض شود. برادران به تکاپو افتادند تا محل مناسبی تهیه کنند. صبح روز دوم، امام همراه عده ای از برادران برای دیدن منزلی که در نظر گرفته شده بود، آپارتمان را ترک کردند.» (ستوده، ۱۳۸۲، ج ۲: ۳۷۲) ابراهیم یزدی می گوید: «آقای دکتر عسگری ویلایی در نوفل لوشاتو در [۲۵ کیلومتری] حومه پاریس داشت که آن را در اختیار ما گذاشت. البته ویلای کوچکی بود ولی در هر حال



خانم دباغ (مرضیه حدیدیجی)

بود مخصوص اجتماعات و دانشجویان ایرانی و اعضای دفتر بود و در اینجا حضرت امام، نماز جماعت و نماز شب را به جا می‌آوردند. خانه شماره سه، جهت استراحت و خواب دانشجویان و دیگر پیروان امام بود که از پاریس می‌آمدند. هر که برای دیدن امام به پاریس می‌آمد حق داشت ۴۸ ساعت در این خانه بماند. (قبادی دانا و دیگران؛ ۱۳۸۶: ۷) همچنین منزلی در پاریس گرفته شد تا هر کس بخواهد به نوفل لوشاتو بیاید، از آنجا راهنمایی شود و یا با مینی‌بوسی که در آنجا بود و روزی یکی دو بار رفت‌وآمد می‌کرد، به دیدار امام بیاید. (دلیل آفتاب، ۱۳۸۲: ۸۰) این چنین بود که امام خمینی در نوفل لوشاتو و در شرایطی سخت، اقامت و طی مدت چهار ماه، انقلاب را از این دهکده کوچک رهبری می‌کرد. از آن پس، نوفل لوشاتو که تا آن زمان یک دهکده بیلاقی و آرام بود، با اقامت رهبر انقلاب ایران در آنجا، مورد توجه افکار عمومی، خبرنگاران، رفت‌وآمد شخصیت‌های سیاسی، دانشجویان و علاقمندان امام گردید. بعد از اقامت امام در نوفل لوشاتو دولت فرانسه یک گروه بیست نفره را مأمور کرده بود که از امام خمینی مراقبت کنند. حجة الاسلام فردوسی‌پور می‌گوید: «از زمانی که امام به نوفل لوشاتو منتقل شدند، یک اکیپ بیست نفره، برابر اقامتگاه ایشان مستقر شدند و همیشه مراقب بودند. روزهای آخر که امام اعلام کردند به ایران بازمی‌گردند، حساسیت بیشتری ایجاد شده بود، به طوری که با لباس فرم و لباس شخصی و معمولی کاملاً مراقبت و محافظت می‌کردند و حضرت امام هر جا می‌خواستند بروند، پلیس همراه ایشان بود» (ستوده، ۱۳۸۲، ج ۲: ۳۸۱)

چگونگی تشکیلات و ارتباطات امام خمینی با ایران

الف. تشکیلات دفتر امام خمینی در پاریس: بنا به گفته حجة الاسلام فردوسی‌پور: «دور روز پس از ورود امام به پاریس، جلسه‌ای منعقد و پیشنهاد شد کمیته‌ای تحت عنوان «کمیته تصمیم‌گیری» تشکیل شود و در مورد محل اقامت امام، ترجمه اعلامیه‌ها، پیام‌ها، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و ارتباطات تلفنی و... تقسیم کار گردد.» (همان: ۳۷۳) از آنجا که احتمال داشت خبرگزاری‌ها برخی تحلیل‌های اطرافیان امام را، به‌عنوان مواضع امام تلقی کنند، در نوفل لوشاتو پلاکاردی نصب شده بود، مبنی بر اینکه امام خمینی هیچ سخنگویی ندارد. با این درایت امام، جلوی هر گونه شبهه‌افکنی و سوء استفاده احتمالی دشمنان گرفته شد. (بصیرت‌منش، ۱۳۸۷: ۱۲۰) در محله «کشان» پاریس به‌طور نوبتی، یک روز در میان، آقایان فردوسی‌پور

و محتشمی حضور داشتند و از علاقه‌مندان امام پذیرایی و استقبال می‌کردند. (روزشمار انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ج ۶: ۲۸۸) پس از گذشت مدت کوتاهی از استقرار امام در نوفل لوشاتو، **حاج مهدی عراقی**، یار دیرین امام به ایشان پیوست و مسئولیت تشکیلات داخلی نوفل لوشاتو را بر عهده گرفت و از جمعیتی که برای دیدار امام می‌آمدند به کمک دوستانش پذیرایی می‌کرد. همچنین ایشان، با پلیس فرانسه در مورد امنیت محل زندگی امام همکاری می‌کرد. (یزدی، ۱۳۸۶: ۸۶) تهیه غذا و خرید منزل امام در نوفل لوشاتو بر عهده **خانم دباغ** (مرضیه حدیدیجی) بود. خانم دباغ در این مورد می‌گوید: «امام خمینی از عراق به فرانسه عزیمت کرد و من هم به تشویق آقای غرضی و محمد منتظری راهی فرانسه شدم. قریب چهار ماه در خدمت امام خمینی بودم. از یک‌سو، کنترل مسائل امنیتی محل اقامت ایشان به من واگذار شده بود و از سوی دیگر، تهیه غذا و خرید منزل را بر عهده داشتم.» (رئسی، ۱۳۸۵: ۸۸)

ب. ارتباطات امام خمینی با ایران: بهترین وسیله ارتباطی امام با ایران تلفن بود. از همان ابتدای استقرار امام در پاریس، ارتباط‌های تلفنی با ایران، با مساعدت چند تن از کارکنان اداره مخابرات ایران برقرار می‌شد. همیشه از طرف ایران ارتباط برقرار می‌شد و با اسم مستعار، اعلام می‌کردند که اگر با ایران کاری دارید هر شماره‌ای که می‌خواهید برایتان بگیرم. بدین گونه، پیام‌ها و اعلامیه‌های امام از طریق تلفن خوانده می‌شد. این همکاری به‌صورت تمام‌وقت بود. از ایران نیز، اخبار روزنامه‌ها در نیمه‌شب، به وقت تهران، از طریق تلفن خوانده

زندگی روزانه امام خمینی در نوفل لوشاتو

یکی از ویژگی‌های زندگی امام نظم وی بود. خانم دباغ که در تمام مدت چهار ماه در نوفل لوشاتو در خدمت امام بود، برنامه زندگی ایشان را این گونه بیان می‌کند: «ساعات روز و شب امام چنان تقسیم‌بندی شده بود، که ما می‌توانستیم بدون اینکه امام را ببینیم، بگوییم که مشغول چه کاری‌اند. امام ساعت سه بعد از نیمه‌شب از خواب برمی‌خواستند تا به برنامه‌های عبادی خود بپردازند و نیز برخی از اخبار جهان را که از روزنامه‌های خارجی ترجمه شده بود، بخوانند. صبحانه را ساعت ۷ صبح می‌خوردند و بعد از صبحانه تا ساعت ۹ به کارهای مربوط به مسائل داخلی ایران رسیدگی می‌کردند. از ساعت ۹ تا ۱۰ صبح، کارهای شخصی مربوط به خودشان را انجام می‌دادند. از ۱۰ الی ۱۲ ظهر نیز مصاحبه و دیدارهای خصوصی داشتند. از ۱۲ تا ۲ بعدازظهر نیز، برنامه نماز و نهار بود و بعد از آن یک ساعت استراحت می‌کردند. از ساعت ۳ الی ۵ بعدازظهر به کارهای مربوط به انقلاب ایران، در رابطه با خودشان، از قبیل اخبار و نامه‌های رسیده می‌پرداختند. از ساعت ۵ بعدازظهر، نماز مغرب و عشا و رسیدگی مجدد به مسائل داخلی ایران ادامه پیدا می‌کرد، تا ساعت ۹ شب که موقع شام ایشان بود. بعد از شام، تا ساعت ۱۱ به رادیوهای مختلف و اخباری که قبلاً ضبط شده بود گوش می‌دادند و ساعت ۱۱ شب می‌خوابیدند. نظم امام نه تنها برای من بلکه برای دیگران هم کاملاً محسوس بود. آن قدر که پلیس فرانسه به ما می‌گفت: «ما حتی ساعت‌های خودمان را با رفت‌وآمد امام تنظیم می‌کنیم.» (ستوده، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۷۸-۱۴۱)

یکی دیگر از ویژگی‌های بارز امام،

و ضبط می‌شد. موارد لازم روی نوار دیگری ضبط می‌شد و امام گوش می‌کردند. اخبار و گزارش‌های واسله هر روز صبح به اطلاع امام می‌رسید. (ستوده، ۱۳۸۲، ج ۲: ۳۷۸). اهمیت این همکاری چنان بود که امام پس از پیروزی انقلاب، در جمع پرسنل مخابرات از زحمات آن‌ها تقدیر به عمل آوردند. (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۲۰۴ و ۲۰۵)

سخنرانی‌های امام نیز، از طریق تلفن به ایران ارسال می‌شد. همچنین مصاحبه‌های امام پس از پیاده شدن از نوار تکثیر می‌شد. یک گروه ۱۵ - ۱۶ نفره از دانشجویان ایرانی خارج از کشور، تمام روزنامه‌های معتبر و خبرنامه‌های خبرگزاری‌ها را مطالعه و اخبار مربوط به ایران را جمع‌آوری، و یک گزارش سیاسی تهیه می‌کردند که در ساعت ۹ صبح، از طریق دکتر یزدی، در اختیار مردم قرار می‌گرفت. (یزدی، ۱۳۸۶: ۸۴ و ۸۵)

فعالیت‌های سیاسی امام خمینی در فرانسه: فعالیت‌های سیاسی امام در فرانسه را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد.

الف. اقدامات سیاسی امام برای به سقوط کشاندن حکومت پهلوی و به پیروزی رساندن انقلاب.

ب. انجام مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها و ...

الف. بعد از ساکن شدن امام خمینی در نوفل لوشاتو، ایشان دست به اقداماتی زدند که در سرنوشت سیاسی ایران تأثیر زیادی داشت:

۱. تهیه یک برنامه سیاسی برای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در نوفل لوشاتو. (علی اکبری بایگانی، ۱۳۸۴: ۳۸-۳۶)
۲. تهیه پیش‌نویس قانون اساسی (همان: ۳۸ و ۳۹)
۳. تشکیل شورای انقلاب اسلامی (یزدی، ۱۳۸۶: ۲۷۹ - ۲۷۵)
۴. تشکیل کمیته اعتصابات انقلاب اسلامی (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۵: ۴۹۴)
۵. یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اقدامات امام هنگام اقامت در فرانسه، شکستن محدود اعتصاب کارکنان شرکت نفت بود (بازرگان، ۱۳۶۳: ۶۸ و ۶۹)
۶. منحل کردن شورای سلطنت (عاقلی، ۱۳۸۷: ۳۹۰ و ستوده، ۱۳۸۲، ج ۲: ۳۸۷)

ب. مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و گفت‌وگو با شخصیت‌ها:

۱. صدور پیام‌ها و اعلامیه‌ها: تعداد پیام‌های مکتوب امام (اعلامیه) در زمان حضور در فرانسه حدود ۴۰ فقره است (بصیرت‌منش، ۱۳۸۷: ۱۰۶)
۲. نگارش نامه‌ها: تعداد نامه‌های امام در این مقطع حدود ۲۷ نامه است. مانند نامه آیت‌الله مرعشی نجفی در پاسخ به احوال‌پرسی ایشان و بیان علت مهاجرت به فرانسه (همان: ۱۰۹)
۳. ایراد سخنرانی: امام در مدت اقامت در فرانسه، ۶۵ سخنرانی کردند. (همان: ۱۱۱)

۴. مصاحبه‌ها: در مدت اقامت امام در فرانسه، ۱۱۷ مصاحبه با خبرنگاران رسانه‌های گروهی و مطبوعات و رادیو و تلویزیون سراسر دنیا و خبرگزاری‌های خارجی با امام ثبت شده است. (همان: ۱۱۲)

۵. ارتباط، دیدار و گفت‌وگو با رجال سیاسی و روحانی ایرانی: از این افراد می‌توان به دیدارهای امام با آیت‌الله مطهری، دکتر بهشتی، مهندس بازرگان، دکتر کریم سنجایی، اشاره کرد. (ستوده، ۱۳۸۲: ۳۸۲)

۶. اعلام مواضع در گفت‌وگو با مقامات یا نمایندگان کشورهای خارجی. (بصیرت‌منش، ۱۳۸۷: ۱۱۸-۱۱۵)

اقامت چهارماهه امام در

نوفل لوشاتو باعث شده بود که شهردار نوفل لوشاتو درخواست کند در صورت اجازه امام، نوفل لوشاتو را به‌عنوان خواهرخوانده محل زادگاه امام (شهر خمین) به حساب بیاورند. (رئیس، ۱۳۸۵: ۹۳)

پلیس فرانسه نیز، مراقبت از امام در نوفل لوشاتو را مایه افتخار خود می‌دانست. حجة الاسلام فردوسی پور می‌گوید: «آخرین روز اقامت، رئیس پلیس منطقه تقاضای ملاقات کرد. امام پذیرفتند و متنی به‌عنوان قدردانی و تشکر از زحمات پلیس مرقوم فرمودند، که به زبان فرانسه برگردانده و پس از قرائت تسلیم آنان شد. در این ملاقات که افراد پلیس حضور داشتند، رئیس پلیس سخن گفت و به‌عنوان خداحافظی جملات جالبی به زبان راند. از جمله گفت: «از برکت وجود شما در نوفل لوشاتو، با شخصیت‌هایی آشنا شدیم و بزرگانی را ملاقات کردیم که هرگز در دوران عمرمان فکر نمی‌کردیم دیدار آنان برایمان امکان داشته باشد، این مایه افتخار ماست.» (ستوده، ۱۳۸۲، ج ۲: ۳۷۵) این موارد نشان می‌دهد که امام از لحاظ شخصیتی، چه تأثیر زیادی بر مردم نوفل لوشاتو گذاشته است.

نتایج هجرت امام خمینی به فرانسه

۱. شادی مردم ایران: اولین نتیجه هجرت امام به پاریس، خوشحالی مردم بود زیرا به نگرانی آن‌ها در مورد سرنوشت رهبر خویش پایان می‌داد. (قبادی دانا و دیگران، ۱۳۸۶: ۱)
۲. شناخت غربی‌ها به‌ویژه فرانسوی‌ها از اسلام و مسلمانان. (ستوده، ۱۳۸۲، ج ۲، ۳۷۸)
۳. زمینه اظهارنظر برای امام خمینی در موضوعات مختلفی مانند اسلام، آزادی، استقلال، دموکراسی، حقوق بشر



ساده زیستن ایشان است. خانم دباغ که مسئول تهیه غذا برای امام و یارانش بود، در مورد این سادگی می‌گوید که: «در نوفل لوشاتو ناهار و شام هرکدام از ما یک عدد تخم‌مرغ، یک نصف نان فرانسوی و نیمی از گوجه‌فرنگی و گاهی اوقات اِشکنه بود. از میهمانان هم به همین نحو پذیرایی می‌کردیم. بنده آنقدر از فروشگاه‌های نوفل لوشاتو تخم‌مرغ خریده بودم که وقتی خبرنگاران می‌آمدند، اولین سؤالشان این بود که: «در مذهب و مکتب شما تخم‌مرغ سمبل و نماد چه چیزی است؟ تصور می‌کردند که سمبل انقلاب ما تخم‌مرغ است، و به همین دلیل زیاد از آن استفاده می‌کنیم! ولی حقیقت این بود که تخم‌مرغ ارزان‌ترین چیزی بود که در آنجا، برای تغذیه یافت می‌شد. بد نیست بدانید که ناهار امام غیر از آبگوشت چیز دیگری نبود. ایشان شب‌ها غذای سبکی مانند نان و پنیر یا گردو و یا میوه می‌خوردند. صبحانه نیز نان و پنیر و چای میل می‌کردند، که گاهی اوقات خودشان چای درست می‌کردند.» (همان: ۱۶۳)

امام علیرغم فعالیت سیاسی زیاد در نوفل لوشاتو، و به اوج رسیدن انقلاب در ایران، به وضعیت مردم نوفل لوشاتو نیز توجه داشتند، زیرا با اقامت امام در آنجا، آرامش مردم نوفل لوشاتو نیز به هم خورده بود. یکی از همراهان امام می‌گوید: «تولد حضرت مسیح بود. امام فرمودند: عید مسیحی‌هاست. هدایایی بخرید و به همسایه‌ها بدهید و از طرف من تولد حضرت مسیح را تبریک بگویید و از اینکه در این مدت سروصدا و رفت‌وآمد شده عذرخواهی کنید. ما هم برای شش خانواده، که در همسایگی بودند، شیرینی خریدیم. وقتی به بیت آمدیم، امام پرسیدند که چه چیزی گرفته‌ایم. وقتی توضیح دادیم، فرمودند: می‌گویند این خارجی‌ها به گل خیلی اهمیت می‌دهند، بنابراین یک شاخه گل هم روی جعبه‌های شیرینی بگذارید و هدیه بدهید. شبانه هدیه‌ها را حاج احمد آقا و یکی از آقایانی که به زبان فرانسه تسلط داشتند، به خانه همسایه‌ها بردند. این اقدام به‌موقع امام، صحنه بسیار زیبا و باشکوهی را به‌وجود آورده بود، به طوری که همه همسایه‌ها با خوشحالی همدیگر را صدا می‌کردند و می‌گفتند: «بیایید ببینید آیت‌الله خمینی چه چیزهایی فرستاده است... فردای آن روز، رئیس جامعه کلیساها پیام تبریکی برای امام فرستاد و از ایشان تقدیر و تشکر کرد.» (همان: ۱۵۲)

و... فراهم شد. (قبادی دانا و دیگران، ۱۳۸۶، مقدمه)

۴. جهانی شدن انقلاب ایران. (علی اکبری بایگانی، ۱۳۸۴: ۳۳)

۵. تمایل افکار عمومی اروپا و آمریکا به انقلاب اسلامی ایران. (بازرگان، ۱۳۶۳: ۵۵)

۶. مهم‌تر از همه، استفاده از امکانات ارتباطی کشور فرانسه. (دلیل آفتاب، ۱۳۸۲: ۹۷)

چگونگی بازگشت امام خمینی از فرانسه به ایران

الف. شرط امام برای بازگشت به ایران: امام اولین بار در روز سوم آبان ۱۳۵۷ در گفت‌وگو با خبرنگار فرانس پرس اعلام نمودند: «تا وقتی شاه در ایران است، من به ایران باز نمی‌گردم.» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۴: ۱۴۷)

ب. مواضع افراد و دولت‌ها در قبال بازگشت امام به ایران:

۱. دولت بختیار و سران رژیم، مخالف بازگشت امام به ایران بودند، زیرا هدف آن‌ها گرفتن فرصت و زمان بود تا پایه‌های حکومت بختیار محکم شود، و با انحراف مسیر انقلاب، از سرنگونی رژیم پهلوی و تأسیس حکومت اسلامی جلوگیری شود. حتی بختیار حاضر شد که امتیازاتی نیز بدهد، اما امام حاضر به مصالحه نشد. (یزدی، ۱۳۸۶: ۱۴۰)

۲. در این زمان، دولت آمریکا هم تلاش می‌کرد که اقامت امام در پاریس طولانی شود و حتی می‌خواستند امام را از آمدن به ایران منصرف کنند. امام در این مورد می‌گوید: «بنده که در پاریس بودم، بیشتر از همه از آمریکا، هی سفارش می‌شد، که شما بگذارید این‌ها بمانند، شما نروید.» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۸: ۳۹۸)

۳. علاوه بر مخالفان امام، تعدادی از یاران امام نیز از بازگشت ایشان به ایران، به دلیل خطرات احتمالی موافق نبودند.

پ. تشکیل کمیته استقبال در ایران: همزمان با تنظیم برنامه حرکت امام از پاریس و ورودشان به ایران، به صلاح‌دید شورای انقلاب، کمیته استقبال از امام تشکیل شد. هدف این کمیته، حفاظت از جان امام، کنترل اوضاع در زمان ورود امام و همچنین انجام یک استقبال باشکوه از امام خمینی بود. (علی اکبری بایگانی، ۱۳۸۴: ۸۲)

ت. بسته شدن فرودگاه‌های ایران: تنها ابزار دولت بختیار برای جلوگیری از ورود امام، بستن فرودگاه‌های کشور بود. درست هنگامی که امام اعلام کردند به ایران سفر خواهند کرد، و روز سفر را مشخص نمودند، ناگهان خبرگزاری‌ها روز جمعه، چهارم بهمن ۵۷ گزارش دادند که «به‌علت بدی هوا و عدم دید کافی، کلیه پروازها تا صبح روز یکشنبه هفته آینده لغو شده است.» (تقویم تاریخ انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹: ۲۴۴)

با شنیدن خبر بازگشت امام، کارمندان هواپیمایی کشوری، علیرغم اعتصاب اعلام کردند، که یکی از هواپیماهای ۷۴۷ را به نام «پرواز انقلاب» برای انتقال رهبر انقلاب، از تهران به پاریس می‌فرستند، که این کار با بسته شدن فرودگاه‌ها لغو شد. (همان: ۲۴۴)

در اعتراض به این اقدام دولت بختیار، جمعی از روحانیون (حدود ۴۰ نفر که بعداً به ۴۰۰ نفر رسیدند) در مسجد دانشگاه تهران تحصن و اعلام کردند تا زمانی که امام به ایران بازنگردد به تحصن خود ادامه خواهند داد. (عاقلی، ۱۳۸۷: ۴۰۰)

به‌طور کلی، عواملی چون تحصن روحانیونی مانند دکتر بهشتی و آیت‌الله مطهری در دانشگاه تهران، اعتراض اکثریت ملت ایران، فشارهای مدافعین حقوق بشر و

به‌خصوص، بستن فرودگاه‌های کشور به مدت طولانی، باعث شد تا دولت در تصمیم خود تجدیدنظر کند، (علی اکبری بایگانی، ۱۳۸۴: ۱۲۲) و در تاریخ ۱۰ بهمن فرودگاه مهرآباد و سایر فرودگاه‌های کشور را باز کند، و به هواپیمای حامل امام و همراهانش اجازه دهد در فرودگاه مهرآباد بر زمین بنشینند. ابراهیم یزدی معتقد است که: «بستن فرودگاه‌های سراسر کشور، یک تبلیغات جهانی به نفع انقلاب و به ضرر بختیار شد.» (یزدی، ۱۳۸۶: ۳۶۵)

ث. تهیه هواپیما در فرانسه برای پرواز امام خمینی به ایران: بعد از آنکه مشکل فرودگاه‌ها برطرف شد، امام و همراهانش آماده سفر به ایران شدند. در این مرحله، آنچه مهم بود، انتخاب نوع هواپیما بود. این پرواز شرایط ویژه‌ای داشت، چرا که هم، سرنشینان و هم، شرکت هواپیمایی، می‌بایست خطرهای احتمالی را به جان می‌خوردند. در نهایت قرار شد که امام و همراهان ایشان با هواپیمای ایرفرانس پرواز کنند. ابراهیم یزدی در مورد نحوه اجاره کردن هواپیما و سرنشینان آن می‌گوید: «ابتدا قرار بود هواپیمایی تحت عنوان «پرواز انقلاب» از ایران به پاریس بیاید اما بنا به عللی از جمله مسائل امنیتی - که واکنش ارتش به این هواپیما و چیزهای دیگر معلوم نبود چه باشد - تصمیم گرفتیم که یک هواپیمای ایرفرانس را کرایه کنیم و با او بیاییم.

بعضی از بازاری‌ها آمدند آنجا و جمعاً چهارصد هزار تومان پول داده شد و یک هواپیمای ایرفرانس، در بست کرایه شد. به دلیل خطرانی که هواپیما را تهدید می‌کرد، چند پیش‌بینی کرده بودیم. پیش‌بینی اول این بود که هواپیماهای ایرفرانس، از نظر روابط بین‌المللی، مصونیتش بیشتر از یک هواپیمای ایرانی بود. دوم اینکه با، مقامات ایرفرانس صحبت شد که

امام خمینی پس از ترک دهکده نوفل لوشاتو طی پیامی از میهمان نوازی مردم و دولت فرانسه و به ویژه اهالی نوفل لوشاتو تشکر کردند

به اندازه کافی بنزین بزند که اگر در تهران نگذاشتند به زمین بنشیند، بتواند دوباره به پاریس برگردد. سومین و مهم‌ترین آن این بود که ما بیش از ۱۲۰ خبرنگار از رسانه‌های گروهی بین‌المللی را همراه کردیم. ما به ایرانی‌ها کمتر جا دادیم و این ۱۲۰ خبرنگار را با خود همراه کردیم. در واقع این یک چتر امنیتی بود، برای اینکه هیچ‌کس حاضر نبود هواپیمایی را که ۱۲۰ خبرنگار بین‌المللی سرنشین دارد، در هوا بزند.» (علی اکبری بایگانی، ۱۳۸۴: ۱۲۶) باید به این نکته هم اشاره کرد که حاج احمد خمینی در مورد اجاره هواپیما معتقد است که «هواپیما اجاره شد. بنا شد هر کسی پول خودش را بدهد. لذا امام کرایه خودشان و من را دادند.» (دلیل آفتاب، ۱۳۸۲: ۸۰)

آخرین اقدامات امام خمینی در فرانسه و پرواز امام به ایران

الف. بیعت برداشتن امام از یاران خود: علیرغم همه مشکلات از جمله احتمال «انفجار هواپیمای حامل امام» (فردوست، ۱۳۶۹، ج ۱: ۶۰۷) و «حتی ربودن آن» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۵: ۴۸۰) توسط حکومت پهلوی، امام تصمیم گرفتند که به ایران بازگردند، بنابراین امام در روزهای آخر اقامت خود در نوفل لوشاتو، در ۴ بهمن ۱۳۵۷ در جمع کارکنان اقامتگاه خود در نوفل لوشاتو، سخنانی ایراد کردند که به گفته برخی از یاران امام، بی‌شباهت به سخنان امام حسین(ع) در شب عاشورا نبود. خانم دباغ در کتاب خاطرات خود می‌نویسد که: «... پیش از حرکت امام به ایران، پس از صرف شام، امام دستور دادند، کلیه کسانی که در طول ۴ ماه اقامت ایشان در نوفل لوشاتو مشغول کار و رفت‌وآمد بودند، همه در یک اتاق جمع



شوند. همه آمدند. امام پس از قدردانی و تشکر از زحمات آن‌ها فرمودند: «من بیعتم را از شما برداشتم. شما به خاطر من خود را به خطر نیندازید. ما عازم ایران هستیم. من موظفم در کنار ملت باشم و در غم و شادی آن‌ها شریک باشم. شما چنین تکلیفی ندارید، هر کدام می‌توانید برگردید به کشوری که بوده‌اید. اگر کاری داشته باشید با من دارند. شما برگردید دنبال تحصیل کار خودتان... همچنین امام موقع حرکت دستور داده بودند، که هیچ خانمی حق ندارد سوار هواپیمای حمل وی شود.» (رئیس، ۱۳۸۵: ۹۲) همچنین در مورد واکنش اطرافیان می‌گوید که: «شرایط کاملاً حالت بیعت برداشتن حسین بن علی (ع) را در کربلا به ذهن می‌آورد. برادرها شروع کردند به گریه کردن. هر کدام چیزی می‌گفتند. یکی می‌گفت اگر صدار بکشندمان و باز هم زنده بشویم، حاضر نیستیم که دست از شما برداریم.» (ستوده، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۶۵)

ب. تشکر امام از میهمان نوازی فرانسوی‌ها: امام خمینی پس از ترک دهکده نوفل لوشاتو طی پیامی از میهمان‌نوازی مردم و دولت فرانسه و به‌ویژه اهالی نوفل لوشاتو تشکر کردند. (قبادی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۲۱)

از اعضای خانواده امام آیت‌الله اشراقی در نوفل لوشاتو باقی ماندند تا با پروازهای بعدی ترتیب سفر خانواده امام به تهران را بدهند. (یزدی، ۱۳۸۶: ۳۷۳)

سرانجام هواپیمای ویژه پرواز امام، یعنی «پرواز انقلاب» در تاریخ پنجشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ ساعت ۳/۳۰ دقیقه بامداد - به وقت تهران - فرودگاه «شارل دوگل» پاریس را به مقصد تهران ترک کرد. هواپیما ۲۰ سرنشین داشت که اغلب آن‌ها خبرنگاران خبرگزاری‌ها و رسانه‌های گروهی جهان بودند. آنچه در پرواز انقلاب اهمیت زیادی دارد، آرامش امام بوده است. علیرغم اضطراب اطرافیان، امام کاملاً آرام بوده‌اند. سیداحمد خمینی در این مورد می‌نویسد که: «توی هواپیما امام واقعاً آرام بودند، هیچ‌گونه تشویشی نداشتند و حتی همان شب قبل از پرواز، نماز شب و نماز صبح خود را خیلی با آرامی بر طبق معمول هر شب خودشان به جای آوردند و استراحت مختصری هم کردند.» (دلیل آفتاب، ۱۳۸۲: ۱۰۱) ابراهیم یزدی نیز که از همراهان امام در هواپیما بوده در مورد آرامش امام می‌نویسد: «یکی... از امام پرسید، حالا که بعد از پانزده سال تبعید و دوری از وطن به ایران برمی‌گردید چه احساسی دارید. امام جواب دادند: «هیچ». همچنین یک ساعت مانده به اذان صبح به وقت محلی (در آسمان) امام طبق رسم همیشگی خود برای استراحت و نماز شب به طبقه دوم هواپیما که خالی نگه داشته شده بود رفتند.» (یزدی، ۱۳۸۶: ۳۷۴)

هواپیمای حامل رهبر انقلاب، در ساعت ۹/۳۳ دقیقه صبح ۱۲ بهمن ۵۷ در فرودگاه مهرآباد تهران به زمین نشست، و رهبر انقلاب در میان موجی از دریای پایان‌ناپذیر مردم که شکوه و عظمت آن وصف‌ناشدنی است، پس از سال‌ها تبعید به وطن بازگشت. در فرودگاه مهرآباد تهران سرود استقبال از امام (خمینی‌ای امام، ای مجاهد، ای مظهر شرف...) خوانده شد. (قبادی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۳۲)

نتیجه‌گیری

موافقت محمدرضا شاه پهلوی و سایر مقامات رژیم با مهاجرت امام خمینی به پاریس، بر این پیش‌فرض استوار بود که فرانسه یک کشور مسیحی غربی است و ضمناً در مسافتی بسیار دور از ایران قرار دارد، از این‌رو امکان ارتباط امام خمینی با ایران و همین‌طور ارتباط ایرانی‌ها با ایشان بسیار سخت و دشوار خواهد شد و از این طریق نهضت به خاموشی خواهد گرایید. اما دیری نگذشت که این تلقی رژیم اشتباهی بنیان‌برافکن از آب درآمد. بر اثر این رویداد، نهضت انقلاب ایران

جهانی شد و ارتباط امام با ایران، برخلاف تصور رژیم، به آسان‌ترین روش ممکن عملی گردید. از آن پس بود که امواج انقلاب در درون ایران نیز غیرقابل مهار گردید و امام خمینی موفق شد کاری را که در طول چهارده سال زمینه‌انجام آن فراهم نشده بود، در مدت چهارماه انجام دهد و رژیم پهلوی با سرعتی غیرقابل باور و پیش‌بینی، سقوط کند.

منابع

۱. بازرگان، مهدی؛ انقلاب ایران در دو حرکت، تهران: انتشارات نراقی، ۱۳۶۳.
۲. بصیرت‌منش، حمید؛ امام خمینی از هجرت به پاریس تا بازگشت به تهران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.
۳. ستوده، امیررضا؛ پایه‌های آفتاب، (گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی امام خمینی)، جلد دوم، تهران: انتشارات پنجره، ۱۳۸۲.
۴. تقویم تاریخ انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۹.
۵. جعفری ولدانی، اصغر؛ بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۷.
۶. بی‌نام؛ خاطرات دو سفیر (اسراری از سقوط شاه و نقش پنهان آمریکا و انگلیس در ایران)، ترجمه محمود طلوعی، تهران: انتشارات علم، ۱۳۷۵.
۷. رئیسی، رضا؛ خواهر طاهره (خاطرات خانم مرضیه حدیدچی (دباغ)، تهران: انتشارات چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۵.
۸. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره): دلیل آفتاب (خاطرات یادگار امام)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲.
۹. روزشمار انقلاب اسلامی، جلد ششم، تهران: دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۰. سالینجر، پیر؛ آمریکا در بند، تهران: انتشارات کتاب‌سرا، ۱۳۶۲.
۱۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، جلد‌های ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۰، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸.
۱۲. عاقلی، باقر؛ روزشمار تاریخ ایران (از مشروطه تا انقلاب اسلامی)، جلد دوم، چاپ هشتم، تهران: انتشارات نامک، ۱۳۸۷.
۱۳. علی‌اکبری بایگی، علی‌اکبر؛ تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی (از مهاجرت امام خمینی به پاریس تا پیروزی)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.
۱۴. فردوست، حسین؛ ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد دوم، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۹.
۱۵. قبادی دانا، وحید و دیگران؛ همراه با امام در پاریس، تهران: انتشارات عروج، ۱۳۸۶.
۱۶. یزدی، ابراهیم؛ آخرین تلاش‌ها در آخرین روزها، تهران: انتشارات قلم، ۱۳۸۶.
۱۷. دعایی، محمود؛ مجله حوزه، شماره ۴۵، مرداد و شهریور ۱۳۷۰.